هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکرنند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

آیا دولت می تواند آشفتگی در هرات را حل کند؟

ص۲

رودکی نخستین شاعر بزرگ زبان فارسی دری

ص۴

دور ششم – سال هفتم – شمارهٔ بیست و یکم شنبه ٤ عقرب ۱۳۸۷- ۲٤ شوال المکرم ۱٤۲۹ - 25 - October 2008



افغانستان فقیرترین کشور جهان

جامعهٔ فقیر ۲۰ میلیونی

سازمان ملل در ۱۷ ام اکتوبر روزی را که آن را به نام روز جهانی مبارزه با فقر نامگذاری نموده است، با صدور اطلاعیه یی وضعیت اقتصادی و غذایی افغانستان را وخیم اعلام نمود. افغانستان درسال ۲۰۰۷ م در میان ۱۸۷ کشور جهان، در ردیف ۱۷۳ قرار داشت یعنی یکی از پنج کشور بسیار فقیر دنیا، در آن سال وزارت زراعت افغانستان اعلام کرد که در عرصهٔ تولیدات مواد غذایی به مرز خود کفایی نزدیک شده است، آن زمان وزارت زراعت ادعا نمود که در نتیجهٔ برنامه هایی که به مرحلهٔ اجرا گذاشته، توانسته است چنین موفقیتی را به دست آورد، ادعایی که بسیار ساده لوحانه، گمراه کننده و بی اساس تلقی شد، اما امسال دولت اعلان کرد که از جمله حدود ۴,۵ میلیون تن گندم مورد ضرورت، حدود یک میلیون تن کمبود دارد.

جز وزارت زراعت همه می دانستند که حاصلات خوب گندم در سال ۲۰۰۷ ناشی از باران های موسمی و به موقع بود و کمبود امسال حاصلات گندم و سایر غله جات، ادامه درص۳

به مناسبت روز تأسیس سازمان ملل

نگاهی به کارنامهٔ سازمان ملل متحد در افغانستان



یونما در افغانستان یک نهاد همه کاره و نیرومند است. این نهاد در کار جمع آوری سلاح هم نظارت داشت که به نظر می رسد با رواج ملیشه سازی دیگر این برنامه که مصرف هنگفتی نیز داشت، به فراموشی سپرده خواهد شد.
ادامه درص۲

به مناسبت یکصد و پنجاهمین سالگرد آغاز مبارزات سیدجمال الدین افغانی

بیدارگر بزرگ شرق

ص۶

د افغانستان او پاکستان ترمنځه د امن ګډه جرګه ګۍ

شفیق

په هېواد کې د ترهګرۍ د ختمولو او امن ټینګولو په منظور د افغانستان او پاکستان د هېوادونو ترمنځه د امن د ګډې سیمه ایزې جرګې د دوهمې غونډې څخه د مخه . چې باید لادمخه په پاکستان کې دایره شوې واې . تاکلی شوی چې د اکتوبر په اوه وېشتمه او اته وېشتمه د دواړو هېوادونو د جرګه ګېو غونډه په پاکستان کې دایره شي، چې په دې هکله د ایجندا د طی کولو لپاره د دولت یو دري کسېزه پلاوی په دې ورځو کې اسلام آباد ته رسیدلی دی. د امن ګډه جرګه تېر کال د اګست د میاشتې له نهمې نېټې څخه تر دولسمې نېټې پورې د هېواد په پلازمینه 'کابل' کې دایره شوې وه چې له دواړو هېوادونو څخه په کې اوه سوو تنو ګډون کړی ؤ او د پاکستان د هغه مهال ولسمشر 'مشرف' او لومړی وزیر شوکت عزیز هم ورته راغلي ؤ چې د غونډې په پای کې یې د جرګې د پریکړه لیک په توګه پنځه ماده اېزه پرېکړه کړې وه چې د پریکړو له مخې به یې بله جرګه په پاکستان کې دایرېدله، خو لکه د دغې جرګې د پېشنهاد په مهال . چې د امریکا د ولسمشر جورج ډبلیو بوش لخوا په یوه میلمستیا کې کرزي او مشرف منلی وه . پاکستاني لوری د دې جرګې سره ډېره علاقه نه ښودله او د هغې ثبوت د مشرف لخوا په کابل کې دایرې شوې جرګې ته د نومورې د راتګ په هکله هغه ځنډنی تصمیم ؤ چې د بوش له لوري ورته له تیلفون وروسته یې ونیوه، پاتې پر۵مخ

درکشور کی بیشتر تسلط دارد حکومت یا طالبان؟

احمد مهدی

کسانی که در جاده ها و شاهراه های جنوب، جنوب غرب و شرق کشور رفت و آمد می کنند، با افراد مسلح گوناگون روبه رو می شوند، گاهی افراد مسلح مخالف دولت از جمله طالبان سر راه آن ها قرار می گیرند، گاهی با پوسته های نیروهای دولتی رو برو می شوند وگاهی هم دسته هایی از دزدان راه آنها را می گیرند البته، دزدان متحد الشکل نیستند، برخی آن ها لباس های طالبان را برتن دارند و برخی هم با یونیفورم نیروهای دولتی ملبس می باشند.

مسافران این شاهراه نمی دانند که درچند کیلومتر جلوتر، با چه نیروی روبرو می شوند، با نیروهای دولتی، افراد طالبان و یا دزدان؟ بنا بر این دشوار است آنها اطمینان داشته باشند در این شاهراه ها کی حکومت می کند، ادامه درص۷

وخامت اوضاع امنیتی در افغانستان

ادامه در ص۳



مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

آیا دولت می تواند آشفتگی در هرات را حل کند؟

در روز ها و هفته های اخیر وضعیت امنیتی در کشور به صورت نگران کنندهٔ رو به وخامت نهاده است، در این میان هرات دومین شهر بزرگ کشور تشنج آلود است، مردم به نشانه اعتراض برای چند روز کار و کسب خود را کنار گذاشتند و به خیابان ها ریختند.

با وجود اعتراضات خیابانی مردم و تقاضا های مکرر نمایندگان آنها، متاسفانه دولت تا هنوز اقدامی جهت حل بحران انجام نداده است.

آشفتگی در هرات، الگوی جدیدی مخالفت و اعتراض را نشان می دهد، الگوی مخالت و اعتراض مسالمت آمیز. مردم هرات احساس و خواسته خویش را به شیوهٔ مدنی و مسالمت آمیز آشکار ساختند و انتظار دارند، این شیوه بتواند خواسته های مشروع آن ها را که عبارت از امنیت و حکومت داری خوب است برآورده سازد. اما متأسفانه دولت تا هنوز به این اعتراضات مسالمت آمیز توجهی نشان نداده است. این بی توجهی می تواند هراتیان را از رویکرد مسالمت أمیز نا امید سازد و آن ها را به سوی راه کارهای دیگری بکشاند، راه کارهای که در برخی از مناطق کشور خشونت و آشوب آفریده است.

نا رضایتی در هرات اگر به صورت ریشهٔ حل نشود، ممکن است به سایر نقاط کشور سرایت نماید و به بحران غیرقابل مهاری تحول یابد.

اما آیا دولت می تواند بحران در هرات و سایر مناطق را مهارسازد. این سوالی است که متاسفانه نمی توان برای آن پاسخ مثبت دریافت کرد. واقعیت آن است که این بحران نشانه های شکست ساختار نظام سیاسی کشور است.

آشفتگی در هرات، ضعف های ساختاری نظام سیاسی افغانستان را به نمایش می گذارد، یکی از ضعف های مهم این نظام، اصل تمرکز گرایی می باشد. در نتیجهٔ پیاده ساختن این اصل، محمداسماعیل خان والی پیشین هرات که بنا بر سابقه جهادی و پایگاه اجتماعی خویش، با حمایت مردم در ایجاد یک ادارهٔ کار آمد، موفقیت شایانی بدست آورد، با بکار بستن دسایس گوناگون بر کنارساخته شد و ادارهٔ جدیدی در آن ولایت روی کار آمد.

اما ادارهٔ جدید به علت نداشتن اقتدار و صلاحیت های لازم و به علت تحمیلی بودن برخی از مدیران ارشد آن، نتوانست کاری انجام دهد، درنتیجه، وضعیت در آنجا متشنج شد و دست آوردهای ادارهٔ پیشین از میان رفت.

الگوی حکومت متمرکز در کشور که پنج سال پیش با پافشاری رئیس جمهور کرزی و تیم اقتدار گرای وی و با همکاری نمایندگان قدرت های جهانی مانند امریکا و انگلیس، به میان آمد، واقعیت چند گونگی فرهنگی، زبانی، ملیتی و جغرافیای افغانستان را نادیده گرفت و یک راه کار کهنهٔ قرون وسطایی را برای ساختن نظام مدرن در افغانستان پیشنهاد نمود.

آشفتگی در هرات این حقیقت را برجسته می سازد، که جهت فایق آمدن به بحران در کشور، باید اصل پر نقیصهٔ تمرکزگرایی، به صورت بنیادی متحول شود و با توزیع عادلانه قدرت، نظام پارلمانی به میان بیاید، با این کارحکومت در برابر نمایندگان ملت جوابگو گردد و اصل تفکیک قوا برجستگی یابد و همچنان، به ولایت و مناطق صلاحیت های بیشتر واگذار شود، و از این طریق آشوب ها و نا رضایتی ها در ولایات و محلات مهار شود.

بدون اصلاحات اساسی ساختاری در نظام افغانستان، رسیدن به ثبات و از میان برداشتن شورش ها متحقق نخواهد شد؛ اصلاحات محتطانه مانند تغییر در کابینه و رفتن و آمدن چند وزیر، به هیچ وجه کشور را از این حالت بحرانی نجات نخواهد داد.

وحید مژده

به مناسبت روز ملل متحد

نگاهی به کارنامهٔ سازمان ملل متحد در افغانستان



زمانی که پس از جنگ جهانی دوم سازمان ملل متحد اساس نهاده شد، افغانستان یکی از نخستین کشور هائی بود که عضویت سازمان ملل متحد را بدست آورد. حمایت اکثریت کشور های عضو سازمان ملل متحد از جهاد مردم افغانستان و تقبیح تجاوز اتحاد شوروی بر حریم یک کشور مستقل، نقش این سازمان را در میان مردم افغانستان بعنوان یک نهاد بیطرف و حامی حقوق ملت های ضعیف و تحت ستم تقویت کرد.

پس از یازدهم سپتامبر بر اساس قطعنامهء شورای امنیت سازمان ملل متحد بود که، امریکا و متحدین این کشور بنام مبارزه علیه تروریسم به افغانستان لشکر کشیدند، رژیم طالبان را سرنگون کردند و به این ترتیب سازمان ملل متحد وارد عرصهٔ جدیدی از مداخله در امور افغانستان شد.

کنفرانس بن به ابتکار سازمان ملل متحد بمیان آمد، تا مسیری را برای حرکت بسوی آینده برای این کشور جنگ زده و ویران مشخص کند. این مسیر تعیین شد و دفتر سیاسی سازمان ملل متحد بنام یونما مسئولیت نظارت از این حرکت فردای افغانستان را عهده دارشد.

وقتی شورای امنیت سازمان ملل متحد، مجوز حمله به افغانستان را برای امریکا صادر کرد، این وظیفه را داشت تا از ماموریت نظامی در این کشور نیز نظارت دقیق نماید و اجازه ندهد تا نیروهای خارجی با اقدامات اشتباه آمیز شان بار دیگر افغانستان را به ورطهء یک جنگ دیگر بکشانند. وقتی در نخستین روز های این حمله، نیروهای امریکائی در یک حملهٔ شبانهٔ هوائی دهها نفر را در یک محفل عروسی در دهراود ارزگان کشتند، و یا قبل از آن در شمال کشور هزاران نفر از افراد طالبان پس از تسلیم شدن به قتل رسیدند، سازمان ملل متحد بی طرفانه عمل نکرد و از آن به بعد نیز که هزاران نفر در اثر این گونه حملات کشته شدند، سازمان ملل متحد عکس العملی که قابل توجه باشد نشان نداد.

نه در کشتار ها و نه هم در دستگیری ها و بازرسی های خودسر نیروهای خارجی در قریه های افغانستان، سازمان ملل متحد استنادی به اعلامیهء جهانی حقوق بشر نکرد. گوئی همه چیز به خیر و خوبی به پیش می رود در حالیکه مشخص بود که این وضع به تحریک احساسات علیه نیروهای خارجی و دولتی که از آن حمایت می کنند خواهد انجامید.

دفتر یونما در کابل که وظیفهٔ نظارت بر فیصله های بن را به عهده داشت، به نظارت هرگز اکتفا نکرد و با این مجوز که مردم افغانستان تجربه دیموکراسی را ندارند، در لویه جرگه ها بخصوص لویه جرگهٔ قانون اساسی مداخلات آشکار نمود. لخدر ابراهیمی با پشتگرمی زلمی خلیل زاد در تدوین قانون اساسی اعمال نفوذ کرد و این ها بودند که مشخص نمودند تا در افغانستان نظام ریاستی بمیان آید. وقتی این کار به مخالفت جمع کثیری از نمایندگان مواجه شد، ماهرانه بر سر این اختلاف کلاه قومی نهادند و به این ترتیب نظامی را که هرگز برای کشوری چون افغانستان مناسب نبود بر این کشور تحمیل کردند.

یونما درشمار سازمانهای بین المللی متهم به فساد مالی است. معاش های مامورین این نهاد بسیار بلند است و بخش مهمی از مصارفی که تاکنون کرده اند مشخص نیست. این نهاد در کار هائی دیگری از جمله کمک به نشریات با گرایش های خاص گرفته تا ساختن احزاب سیاسی چندنفری فعال بوده است. کارهائی که هیچ تاثیر قابل رویت بر تحکیم صلح و استحکام پایه های مردم سالاری در افغانستان نداشته است

قانون اساسی را که کاملا نهائی شده بود پس از تصویب نمایندگان، دست کاری شد و یونما در این مورد خاموش باقی ماند.

وقتی قضیه عدالت انتقالی و موضوع مجرمین جنگی بمیان آمد، یونما از این جریان حمایت کرد. البته این مسأله کار خوبی است که کسانی که دست به جنایات جنگی زده اند به محاکمه کشیده شوند، اما یونما از مذاکره با طالبان هم حمایت نمود. این موضع متضاد از جانب یونما نشان داد که این نهاد هم مانند ناتو در افغانستان، یک استراتژی مشخص ندارد. حتی آنانی که خواستار تطبیق عدالت انتقالی بودند امروز به این بارو اند که عدالت فدای سیاست بازی های یونما شد.

در جریان انتخابات ریاست جمهوری وپارلمانی، یونما وظیفه داشت تا از یک روند شفاف در این پروسه حمایت کند، اما متاسفانه این یونما بود که به جعل کاری وتقلب میدان و مجال داد. امروز حتی آن دسته وکلائی که برندهء انتخابات هم شده اند می گویند که، دست اندازی های مسئولین یونما در کار انتخابات کاملا مشهود بود. اما کسانیکه به این روند در آن زمان اعتراض نکردند به این باور بودند که زیر سوال بردن نتایج نخستین انتخابات به مشروعیت این نظام نیز ضربه خواهد زد، اما همه می دانند که چگونه صندوق ها در هردو انتخابات به نفع کاندیدا های معین و هم کسانی که پول دادند پرشد.

یونما در افغانستان یک نهاد همه کاره و نیرومند است. این نهاد در کار جمع آوری سلاح هم نظارت داشت که به نظر می رسد با رواج ملیشه سازی دیگر این برنامه که مصرف هنگفتی نیز داشت، به فراموشی سپرده خواهد شد. اما یونما کار های مهمتر از این هم انجام داده است که یکی از آنها تفسیر قانون اساسی افغانستان است!

وقتی شواری ملی کشور وزیر خارجه را سلب اعتمادکرد، یونما اعلام نمود که برکناری وزیر وظیفهٔ رئیس جمهور است نه شورای ملی! این موضع گیری یونما که قانون اساسی افغانستان را برای مردم این کشور تفسیر می کرد، نشان از مداخلهٔ نامشروع درامور داخلی افغانستان داشت. جالب است که مدتی قبل از این ماجرا وزیر خارجه یونما را متهم کرده بود فرا تر از صلاحیت های خود ابراز نظر می کند.

اخراج دو دیپلومات انگلیسی بنام های مایکل سمپل و ماروین پترسن نیز نشان از این داشت که، این نهاد کار های خلاف در افغانستان انجام می داد. ماروین هنگام اخراجش به امر رئیس جمهور کرزی مشاور ارشد یونما و مایکل سمپل هم در جریان دو لویه جرگه مشاور نزدیک لخدر ابراهیمی بود. این دو به اتهام تماس با طالبان و دادن پول ووسایلی که می توانست استفادهء نظامی داشته باشد، از افغانستان اخراج شدند و همین مسئله در عدم قبولی پدی اشداون از طرف دولت افغانستان نیز موثر بود.

یونما درشمار سازمانهای بین المللی متهم به فساد مالی است. معاش های مامورین این نهاد بسیار بلند است و بخش مهمی از مصارفی که تاکنون کرده اند مشخص نیست. این نهاد در کار هائی دیگری از جمله کمک به نشریات با گرایش های خاص گرفته تا ساختن احزاب سیاسی چندنفری فعال بوده است. کارهائی که هیچ تاثیر قابل رویت بر تحکیم صلح و استحکام پایه های مردم سالاری در افغانستان نداشته است.



وخامت اوضاع امنیتی درافغانستان

محمد شریف شایق

درآستانهٔ آغاز به کار وزیر جدید امور داخله، وضع امنیتی در بسیاری از نقاط کشور به وخامت گراییده است. در یک هفتهٔ اخیر از چندین مورد آدم ربایی و قتل در شهر کابل گزارش شده است، پسرمعاون عزیزی بانک و همایون شاه آصفی چهرهٔ سر شناس خانوادهٔ سلطنتی، یک خبرنگار خارجی از شهر کابل ربوده شدند. همچنان یک امداد رسان افریقایی نیز روز دوشنبه هفته گذشته از سوی مردان مسلح درکابل کشته شد.

ولایت هرات در غرب کشور نیز از چندی به این سو دست خوش نا آرامی شده است، هزاران تن از باشندگان هرات که طیف های مختلف مردم را تشکیل می دهند و نمایندگان این ولایت در شورای ملی در کابل در اعتراض به افزایش موارد نا امنی ها و آدم ربایی های اخیر در ولایت هرات دست به اعتصاب زده و خواستار تغییرات در رهبری ولایت هرات شده اند.

درهمین حال گزارش شده است که طالبان حدود چهل تن از مسافران را که رهسپار ایران بودند در ولسوالی میوند ولایت قندهارکشته و ادعا کرده اند که این افراد سربازان اردوی ملی بودند، اما بستگان آنان و مقامات وزارت دفاع آن را رد کرده و گفته اند که کشته شدگان کارگران عادی بوده اند، همچنان در ولایت غزنی در همسایگی کابل طالبان استفاده از شبکه های تلفنی را ممنوع قرار داده اند. موارد یاد شده همگی دلالت بر وخامت وضع امنیتی و افزایش جرایم ضد بشری می کند.

افزایش نا آرامی ها و آدم ربایی ها در کابل و سایر ولایات نگرانی شدید مردم را برانگیخته است. از آغاز سال روان تا کنون ۴۴ مورد آدم ربایی در شهر کابل به صورت رسمی ثبت شده است.

در پیوند به افزایش موارد آدم ربایی ها و نا امنی ها مجلس نمایندگان یکی از مقامات وزارت امورد داخله را برای توضیحات بیشتر به شورای ملی فرا خواند، منیر منگل، معاون امنیتی وزارت داخله که برای پاسخ دهی به نگرانی های امنیتی اخیر، به مجلس نمایندگان فراخوانده شده بود، گفت که به زودی نیروی ویژهٔ مبارزه با جرایم را ایجاد خواهد کرد و این اقدام، در ادامهٔ تلاش های تازه وزارت داخله برای کاهش نا امنی ها صورت می گیرد.

وضع امنیتی در کشور زمانی رو به وخامت گراییده است که نیروهای خارجی و کشورهای حامی دولت افغانستان تمایل به تداوم جنگ در افغانستان ندارند، برخی از فرماندهان ناتو و سیاست مداران غربی علاوه بر آنکه بر بی نتیجه بودن راهبرد جنگ تأکید دارند به شکست ناتو در جنگ فرسایشی افغانستان اشاره می کنند. یکی از فرماندهان ارشد ناتو اخیراً گفته است که برنده شدن جنگ در افغانستان از راه نظامی نا ممکن است. ژنرال کرادوک، گفته است: اراده سیاسی در جنگ با طالبان در حال ضعیف شدن و از بین رفتن است. این فرمانده ناتو بر اصلاح ادارهٔ پلیس و قضا تأکید کرده است.

برخی از آگاهان خارجی بدتر شدن وضع امنیتی افغانستان را ناشی از استراتژی غلط کشورهای غربی می دانند، یکی از نمایندگان محافظه کار انگلیسی که اخیراً از افغانستان دیدارکرده در مقاله یی در روزنامهٔ ایندیپندنت نوشته است که اوضاع افغانستان سیر نزولی را طی می کند و اگر ما رویکرد خود را تغییر ندهیم با یک فاجعه رو به رو خواهیم شد، وی همچنان تأکید کرده است جنایات از کنترل دولت افغانستان خارج شده است، وی به نقل از والی هلمند گفته است که بخش اعظم ولایت هلمند در کنترل طالبان است.

بدتر شدن وضع امنیتی چندی قبل در جلسهٔ ویژهٔ شورای امنیت نیز مطرح شده بود، نمایندهٔ دبیرکل سازمان ملل در افغانستان ضمن تایید وخامت اوضاع امنیتی در افغانستان گفت که شورشیان در ولایات همجوار کابل فعالیت های بشردوستانه را نیز هدف قرار می دهند. ظاهرطنین نمایندهٔ افغانستان در سازمان ملل نیز افزایش خشونت ها را پذیرفته است.

آگاهان دلیل افزایش نا امنی ها درافغانستان را ناکار آمدی و فساد در دستگاه های پلیس و قضا می دانند، روزنامهٔ آمریکایی کریستن ساینس مانیتور، در شمارهٔ تاریخ ۲۵ میزان در گزارشی که پیرامون اوضاع افغانستان نشر کرده نوشته است که "بعضی از شهروندان ولایات همجوار کابل

وجود فساد در دستگاه های پلیس و قضا، عدم هماهنگی میان نیروهای خارجی و داخلی در جنگ علیه تروریزم، عملکرد های منفی نیروهای خارجی، نا دیده گرفتن خواسته های مردم از سوی دولت افغانستان، عدم شفافیت در مصرف کمک های بین المللی، توزیع غیرعادلانه پروژه های بازسازی در ولایات، افزایش فقر و بیکاری مداخله کشورهای دور و نزدیک از عوامل گسترش نا امنی های افغانستان خوانده می شود

ترجیح می دهند تحت حکومت طالبان زندگی کنند."

به اساس این گزارش، تشدید جرم و جنایت، فساد در دولت، بیکاری و عوامل دیگر موجب شده است طالبان بار دیگر قدرتمند شوند.

این روزنامه نوشته است که طالبان در مناطق تحت کنترل شان بر اساس عدالت دادخواهی می کنند و در برابر جنایت و دزدی برخورد جدی دارند و این امر سبب شده است که مردم طالبان را بر دولت ترجیح دهند. این روزنامه در ادامه نوشته است که طالبان کنترل ۱۳ ولسوالی از ۱۸ ولسوالی ولایت غزنی و ۶ ولسوالی از ۸ ولسوالی ولایت وردک را در اختیار دارند.

همچنان ادعاهایی وجود دارد که طالبان در برخی از ولایات وسایل حمل و نقل را بازرسی می کنند کشته شدن حدود چهل تن از شهروندان عادی ولایت لغمان که جهت کاریابی به ایران می رفتند به دست این گروه به تاریخ ۲۵ میزان در ولسوالی میوند ولایت قندهار بیان این ادعاست.

کارشناسان تبصره می کنند که دولت افغانستان با وجود حمایت گستردهٔ جهانی راهبرد مشخصی برای کاهش خشونت های فزاینده این کشور ندارد. اما همایون حمید زاده سخنگوی رئیس جمهور روز دوشنبه در نشستی خبری درکابل اعلام کرد که دولت برنامه هایی را روی دست دارد که تطبیق آن به بهبود اوضاع امنیتی در کشور می انجامد.

وجود فساد در دستگاه های پلیس و قضا، عدم هماهنگی میان نیروهای خارجی و داخلی در جنگ علیه تروریزم، عملکرد های منفی نیروهای خارجی، نا دیده گرفتن خواسته های مردم از سوی دولت افغانستان، عدم شفافیت در مصرف کمک های بین المللی، توزیع غیرعادلانه پروژه های بازسازی در ولایات، افزایش فقر و بیکاری مداخله کشورهای دور و نزدیک از عوامل گسترش نا امنی های افغانستان خوانده می شود.

نصب افراد نا توان در پست های مهم دولتی در ادارات محلی یکی دیگر از عوامل مهم افزایش نا امنی های افغانستان دانسته می شود، آن گونه نمایندگان هرات در شورای ملی یگانه دلیل نا آرامی ها در ولایت هرات را نا توانی در رهبری ولایت هرات می دانند و همواره بر تغییرات در رهبری این ولایت تاکید می کنند.

وجود افراد نا توان در رأس ولایات همواره یکی از موارد انتقاد رسانه ها در هفت سال گذشته بود ولی دولت افغانستان به این امر توجهی نکرده و بیشتر بر اساس معیار های قومی و زبانی و مصلحت های سیاسی، مهره های ناکام را در ولایات و مرکز نگهداشته و برخی را برای سرکوب چهره های منتقد دولت به کارگرفته است و این بی توجهی سرانجام وضع کنونی این کشور منتج شده است.

کشت و قاچاق مواد مخدر که یکی از منابع بزرگ تمویل گروه های آشوبگر به حساب می آید دولت افغانستان در مهار رکردن آن موفقیت چندانی نداشته و بیشتر به تبلیغات رسانه یی متکی بوده است، اما در عمل آنگونه دیده می شود طالبان هنوز هم از منابع دُرآمد فروش تریاک تجهیز می شوند، یک کارشناس غربی دراین اواخر گفته است ، طالبان ۴۰ درصد از بودجهٔ مالی خود را از طریق قاچاق مواد مخدر به دست می آورند که ناتو و انگلیس ها این زمینه را برای آنها از طریق سیاست های خام و نادرست خود تسهیل کرده اند.

در مورد افزایش آدم ربایی گفته می شود که آدم ربایان به نحوی از سوی افرادی در درون حاکمیت حمایت می شوند و هرگاه کسانی به چنین حالتی مواجه می شوند حاضر نیستند برای نجات خویش به نیروهای امنیتی و پلیس تماس بگیرند.

درکل باور آگاهان در افغانستان این است که اوضاع امنیتی به مرحلهٔ بن بست رسیده است و دولت کنونی هم از شکستن آن عاجز است. اما اینکه سرانجام چه می شود، گذشت زمان به آن پاسخ روش می دهد. مردم عادی دیگر امیدی به موفقیت دولت ندارند.

افغانستان فقیر ترین کشور جهان ...

در نتیجهٔ خشک سالی به میان آمده، دولت در افزایش و کاهش گندم کوچکترین نقشی مثبت نداشته است. با پائین آمدن میزان تولید مواد غذایی در سال ۲۰۰۸ بدون شک افغانستان اکنون از مرتبه ۱۷۳ پائین تر و شاید، در پایان لست کشورهای فقیر قرار گرفته باشد.

بر اساس آمار سازمان ملل اکنون، ۲۰ میلیون شهروند افغانستان فقیر شده و ۴۲ در صد مردم زیر خط فقر قرار گرفته اند.

یوناما گفته است ۷۰ در صد مردم با عدم مصؤونیت غذایی مواجه می باشند و ۴۰۴ میلیون دالر دیگر برای خریداری مواد غذایی برای گرسنگان افغانستان نیاز دارد. در بیانیهٔ این سازمان آمده است که در زمستان امسال ۹ میلیون انسان در افغانستان به کمک غذایی نیاز دارند. در این بیانیه افزوده شده است، مردم افغانستان به آب سالم، بهداشت، تغذیهٔ کامل و سرپناه دست رسی ندارند.

در بیانیه، بی سوادی، پائین بودن سطح بهداشت، عدم مدیریت منابع طبیعی و ساختار اجتماعی از جملهٔ عوامل فقر خوانده شده است.

همچنان افزایش قیمت موادغذایی، رکود اقتصادی، تغییرات اقلیمی، فساد در حکومت و نا آرامی و جنگ عواملی خوانده شده است که افغانستان را به سوی فقر بیشتر سوق می دهد.

سازمان ملل، سرمایه گذاری بیشتر در عرصهٔ زراعت، حکومت داری خوب، حاکمیت قانون و رعایت حقوق بشر را برای کاهش فقر ضروری دانسته است.

درحال حاضر بلند رفتن نرخ مواد غذایی و آمدن سرمای زمستان، مردم را به شدت نگران ساخته، در برخی ولایات شمال، هزاران تن، خانه و کاشانهٔ خویش را ترک نموده به دنبال آب و نان به ولایات دیگر کوچ نموده اند.

در صورتی که مساعدت های کافی و به موقع در این ولایات، در اختیار مردم قرار نگیرد ممکن است فاجعه های هولناک بشری واقع گردد.

رودکی نخستین شاعر بزرگ زبان فارسی دری

عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

ابوعبدالله جعفر بن محمد رودکی، بزرگترین شاعر دورهٔ سامانی است که وی را پدر شعر زبان فارسی دری خوانده اند. به فضل و برتری این شاعر، نه تنها معاصرانش اعتراف نموده اند، بلکه اکثر شاعرانی که بعد از او آمده اند به استادی او سخن گفته و او را سلطان شاعران و استاد شاعران شمرده اند. طوری که ابوالفضل بلعمی وزیر معروف اسماعیل بن احمد برای رودکی در میان عرب و عجم نظیری نمی شناخته است. رودکی خود را در شاعری باجریر طایی، حسان و ضریع الغوانی و دیگران مقایسه می کند و فصاحت خویش را همسنگ سحبان بن وائل می خواند.

یونسکو از مقام شاعری رودکی در سه کشور فارسی زبان، تاجکستان، ایران و افغاستان تجلیل بعمل می آورد و قرار است به روز های یکشنبه و دوشنبه مطابق به ۶-۷ عقرب برج جاری شهر هرات میزبان کنفرانس رودکی از سوی یونسکو باشد. رودکی از اهالی رودک و از توابع سمرقند می باشد که در نیمه قرن سوم هجری تولد یافته و شاعرقرن چهارم هجری است. رودکی از آغاز جوانی به دستگاه سامانیان در بخارا پیوسته و تا سال های پیری در آن شهر زندگی کرده است.

زبان مردم بخارا فارسی دری بود، اما زبان عربی نیز در این زمان به عنوان زبان علمی و فرهنگی رواج بسیار داشت. عصر سامانی و روز گار حیات رودکی یکی از پر رونق ترین روزگاران در تاریخ ماوراءالنهر و خراسان محسوب می شد. اصطخری صاحب المسالک و الممالک در بارهٔ رونق تجاری آن منطقه اشاره های صریح دارد.

بخش از این رونق مدیون روابط تجاری ماوراء النهر و خراسان با چین و نواحی شرقی ایران بوده است. رونق بخارا و تمویل دستگاه سامانیان سبب شده بود، تا شاعران منسوب به آنان نیز بی نصیب نمانند.

رودکی در طول حیات زندگی خود، سفرهای زیادی به نواحی مختلف خراسان داشته است و می توان گفت علاوه بر شهرهای سمرقند و بخارا سفرهایی به هرات، سرخس، نیشاپور و احتمالا سایر شهرهای خراسان داشته است.

به قرینه آنچه در الهی نامه عطار آمده است، رودکی سفری به بلخ داشته و درآنجا با رابعه دختر کعب قزداری شاعر معروف و معاصر خود ملاقات نموده است. هرچند رودکی را کور مادر زاد گفته اند، اما صحت و سقم این مساله به قطعیت ثابت نشده است، زیرا رودکی درکنار اشعاری که در آن ها دعوی و بدل مطرح شده، سروده هایی دارد که در آنها از جوانی، زیبا پسندی، دلبستگی به زیبایی و دیدن زیبا رویان سخن می گوید، طوری که رودکی در مورد پیری چنین می گوید:

مرا بسود و فرو ریخت هر چه دندان بود
نبود دندان لابل چراغ تابان بود

شاعر از سوده شدن دندان ها، پیری و نا توانی گلایه دارد وبرای کسی که نا بینا بوده است، البته شکوه از نا بینایی، اولی تر از گلایه نسبت به ساییده شدن دندان است و در آخرین بیت این قصیده می گوید:

کنون زمانه دیگر گشت و من دیگر گشتم
عصا بیار که وقت عصا و انبان بود

یعنی هنگام عصا به دست گرفتن و بی نوایی فرا رسیده است، روشن است برای کسی که درهمه عمر خود نا بینا بوده به دست گرفتن عصا موقوف به فرا رسیدن پیری نیست. مگر آن که خود را در بخشی از عمرش بی نیاز از عصا می دیده است. ازقصاید بازمانده رودکی، به ویژه از طولانی ترین آن ها یعنی "ما درمی" که صاحب سیستان آن را ضبط کرده و به دست ما رسیده است معلوم می شود که رودکی ساختار قصیده را به کاملترین شکل سنتی خود رسانده است و گفته می توانیم که شاعران ادوار بعد تغییرچندانی در ساختار صورتی صوری و اجزای محتوایی قصیده ایجاد نه کرده اند.

مضامین غزل، وصف معشوق و طبیعت یکی از مضمون های رایج در شعر رودکی است. این مضامین دارای تعابیر بدیع و دقیق است و از زبانی بسیار ساده برخوردار است سخن مشهور عنصری در مورد آنها دور از حقیقت نیست که می گوید:

غزل رودکی وار نیکو بود
غزل های من رودکی وارنیست

گفته اند که رودکی نخستین شاعری که است که رباعیاتی از او دیده می شود، کثرت رباعیات رودکی شعر شناسانی مثل شمس قیس رازی را واداشته است که او را مخترع وزن و قالب رباعی بداند، به همین گونه رودکی به سرودن مثنوی نیز شهرت داشته است. زیرا قالب مثنوی رایج ترین قالب های شعر دوره سامانی محسوب می شود و پیش از رودکی مثنوی های بزرگی در ادب فارسی دری سروده شده است که می توان از شاهنامه مسعودی مروزی که مقدم بر شاهنامه منظوم دقیقی بوده است. از مثنوی های رودکی یکی کلیله و دمنه و دیگر سند بادنامه و آفتاب نامه بوده است که از هرکدام آن ها ابیاتی به جا مانده است. حضور مضامین علمی در اشعار رودکی چندان جلوه یی ندارد و اساساً در این روزگار علم گرایی در مضامین شعر متداول نبوده است. برخی از تعابیر مناسب با مضامین آیات و احادیث در شعر رودکی گویای آشنایی و درنگ او در مضامین قرآنکریم و حدیث شریف بوده است.

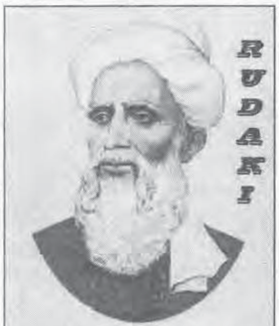
زمانه پندی آزاد وار داد مرا
زمانه چو نکو بنگری همه پند است
به روز نیک کسان گفت غم مخور زنهار
بسا کسان که به روز تو آرزومنداست

که یاد آور حدیث شریف: "أنظروا إلى من هو دو نکم و لاتنظروا إلى من هو فوقکم" می باشد و یا:

جز که نباشد حلال دوربکردن
بچه کوچک ز شیر مادرو بستان
نا نخورد شیرهفت مه به تمامی
از سراردیبهشت تا بن آبان

که یاد آور آیه: (**والوالدات یرضعن أولادهن حولین کاملین لمن أراد أن یتم الرّضاعة**) و مادران باید دوسال تمام فرزندان خود را شیردهند آنکه خواهد فرزند را شیر تمام دهد می باشد.

اینگونه موارد و مطابقت با آیات قرآنکریم و حدیث شریف فراوان در اشعار رودکی دیده می شود. مورد دیگری از دانش رودکی آگاهی او در ادب عرب است و از این جهت آگاه



رودکی نخستین شاعری که است که رباعیاتی از او دیده می شود، کثرت رباعیات رودکی شعر شناسانی مثل شمس قیس رازی را واداشته است که او را مخترع وزن و قالب رباعی بداند،

درصور خیال او نشانه هایی از اخذ و مشابهت های شعری با گویندگان عرب مشاهده می شود به ویژه در حوزه خمریات، بعضی از تصاویر و خیالاتش نزدیک به گویندگان تازی است و دراین میانه تصاویر خمری او با سروده های ابونواس مشابهت بیشتری دارد. رودکی در قصیده"ما درمی" از شاعران مختلف عرب نام می برد و خود را با آنان مقایسه می کند. آشنایی رودکی با موسیقی از مسایل مشهور است و چهارمقاله

به همین گونه رودکی به سرودن مثنوی نیز شهرت داشته است. زیرا قالب مثنوی رایج ترین قالب های شعر دوره سامانی محسوب می شود و پیش از رودکی مثنوی های بزرگی در ادب فارسی دری سروده شده است

عروضی براین واقعیت اشاره دارد و به این باور است که رودکی بربط می نواخته و در نواختن چنگ نیز مهارت داشته است.

تصویر های خمریه ابونواس در ابیات رودکی به چشم می خورد و مضامین مشترک را درمیان این دوشاعر دیده می توانیم. طوری که ابو نواس در مورد شراب گفته است:

کان نبان ممسکها اشمت
خضابا حین تلمع فی لزجاج

آن گاه که باده سرخ در جام می درخشید، گویی سرانگشتان ساقی را رنگ کرده اند. و رودکی می گوید

نابسوده دو دست رنگین کرد
نا چشیده به تارک اندرتاخت

درجای دیگر می خوانیم که رودکی امثال عرب را چنین به کار برده است:

إنکان الغراب دلیلُ قوم فیهدیهم طریق الهالکینا

و رودکی مضمون این بیت را چنین أورده است:

هرکه را راهبر زغن باشد
گذر او به مرغزن باشد

به قول ثعالبی این ابیات ابوحسان احمد بن المومل است که گفته است:

تصوّر الدنیا بعین الحجی
لابالتی انت شانتظرو
الدهربحرفا تخنزورقا
من عمل الخیر به تعبر

جهان را به دیدگان بصیرت ببین، نه با این چشمانی که با آن نگاه می کنی، جهان دریاست لذا زورقی از اعمال نیک برگزین و با آن عبورکن. این ابیات برگرفته ازاین ابیات رودکی است:

به چشم دلت دید باید جهان
که چشم سرتو نبیند نهان

برخی از شاعران متاخر عرب وجود داشتند که مضامین و صورخیال را از شاعران نخستین فارسی دری که با آنان معاصربودند یا کمی قبل از آنان میزیستند گرفته اند که نمونه بالا مصداق این مدعاست.

ابونواس در مورد امین پسر خلیفه عباسی گفته است:

و إذا بنو العباس عَدّ حصاهم
محمد یاقوتها المستخلص

اگر فرزندان عباس سنگ محسوب شوند، محمد درمیان آنها یاقوت ناب است.

این مضمون را رودکی چنین آورده است:

بزرگان جهان چون گردنبندند
تو چون یاقوت سرخ اندر میانه

حتا مضمون یک قصیدهٔ بزرگ را می توانیم در ابیات رودکی پیدا نماییم که از شاعر عرب قبل از خویش گرفته است.

نصر بن احمد سامانی (۳۰۱-۳۳۰هـ) از ممدوحان مشهور رودکی محسوب می شده است. طوری که رودکی چکامهٔ مشهور، زیبا و دل انگیز "بوی جوی مولیان" بنا به تصریح بسیاری از منابع با نصر بن احمد سامانی پیوند دارد. و در قصیدهٔ "مادرمی" از توصیف مجلس و دربار همین شخص حکایت می کند و او را در اشعار خویش امیر خوانده است. ادامهٔ سنت های شعری عهد سامانی در دورهٔ غزنوی سبب گردید، تا رودکی به صورت الگویی برای شاعران روزگار غزنوی در آید، طرح کامل قصیده، سهولت در الفاظ و معانی و سعت دادن به مضامین خمری و غزلی از جملهٔ بهره مندی های شاعران عصر غزنوی از رودکی است. اعتراف عنصری به استادی رودکی در مضامین غزل یکی از موارد گویای نقش و نفوذ رودکی در سنت های شعری عصر غزنوی است. فرخی در یکی از قصاید مدحیهٔ خود خطاب به ممدوح، رودکی و شهید بلخی را مظهر و مثل اعلای شاعری معرفی می کند:

شاعرانت چو رودکی و شهید
مطربانت چو سرکش و سرکب

نفوذ ادبی و شعری رودکی در دورهٔ غزنوی و سلجوقی تا آنجاست که هیچ طعن و تعریضی بر شعر رودکی را بی پاسخ نمی گذاشتند، چنانکه نظامی عروضی گفته است:

ای آن که طعن کردی در شعر رودکی
این طعن کردن تو زهل و زکودنی است
آن کس که شعر داند، داند که در جهان
صاحب قران شاعری استاد رودکی است

گفتنی است که سرایندگان عصر سلجوقی؛ مانند: معزی، مسعود و سعد سوزنی سمرقندی در سروده های خود بارها از رودکی یاد کرده اند:

شاعران ادوار بعد از رودکی، اشعاری از رودکی را تقلید کرده اند و یا آن را تضمین نموده اند. طوری که کسایی مرزوی شاعر معاصر رودکی در یکی از سروده های خویش از رودکی تضمین کرده است:

به عهد دولت سامانیان و بلعمیان
جهان نبود چنین، بانهاد و سامان بود

که تقلید از قصیدهٔ معروف رودکی است به این مطلع:

مرا بسود و فرو ریخت هرچه دندان بود
نبود دندان لا بل چراغ تابان بود

ناصر خسرو در دیوان خود، رودکی را مظهر مداحی و ستایشگری ذات پیامبر دانسته و او را با حسان بن ثابت در یک طراز نهاده و خود را به آن دو تشبیه کرده است:

جان را بهرِ مدحت آن رسولی
گه رودکی و گاهی حسان کنم

عبدالواسع جبلی، رودکی را نمونهٔ ستایشگری در شعر فارسی دانسته و با ابو نواس در شعر عرب مقایسه می کند:

صد هزاران شاعر مداح باید پیش تو
از عجم چون رودکی و از عرب چون بونواس

قصیدهٔ کوتاهی در دیوان سنایی دیده می شود که تقلیدی از قصیدهٔ بوی جوی مولیان رودکی است:

خسرو از مازندران آید همی
یا مسیح از آسمان آید همی
یا زبهر مصلحت روح الأمین
سوی دنیا زان جهان آید همی

در این قصیده، مصرعی از رودکی تضمین شده است:

رنج غربت رفت و تیمار سفر
بوی جوی مولیان آید همی

آنچه بیش از هرچیز موجب برتری سخن رودکی بر شاعران سلف گردیده، سادگی بیان اوست که خود از آن با عبارت "لفظ همه خوب و هم به معنی آسان" تعبیر کرده است. اما این شیوهٔ بیان در ادوار بعد، به ویژه از عهد مغول بدینسو چندان مقبول نظر نبوده است.

شعراء زیادی در مورد رودکی سخن گفته اند که به نمونه های آن پرداخته می شود:

رشیدی:

گر سری یابد به دنیا کس به شعر و شاعری
رودکی را درمیان شاعران زیبد سری

کسایی:

زیبا بود ار مرو نبازد به کسایی
چونان که سمرقند به استاد سمرقند

دقیقی:

که را رودکی گفته باشد مدیح
امام فنون و سخنور بود

فرخی:

یک بیت شعر یاد کنم زان که رودکی
گرچه ترا نگفت سزاوار آن تویی
جز برتری نجویی گویی که آتشی
جز راستی نخواهی مانا ترازویی

سوزنی سمرقندی:

در مدح تو به صورت تضمین ادا کنم
یک بیت رودکی را در حلق بلعمی
صدر جهان، جهان همه تاریک شب شده است
وز بهرما سپیدهٔ صادق همی دمی

پایان

د افغانستان او پاکستان ترمینځه د امن ګډه جرګه ګۍ

شفیق



پاتې له اول مخ نه

او بیا د جرګې په وروستۍ ورځ راغلی. دا چې پاکستاني لوري ولې له ګډې جرګې څخه ډډه کوله، په دې هکله څکه څه نه وایو چې اوس یې وخت تېر شوی او اوس پاکستان د هغې جرګې دوهم پړاوته د خپلې جرګه ګۍ پنځه ویشت کسیز لست

هم معرفي کړی چې مشري یې د بلوچستان ایالت والي 'اویس احمد غني' کوي او د سرحد ایالت د پښتنو د یو ګوند عوامي نیشنل پارټۍ مشر 'اسفندیار ولي' هم په کې شامل دی خو د بلوچستان څخه د پښتنو د یو بل ګوند مشر محمود خان اڅکزی په کې لاتر اوسه نه دی شامل شوی او د افغانستان لوری خو لاڅو میاشتې د مخه د خپلې پنځه ویشت کسیزې جرګه ګۍ د غړو نومونه اعلان کړي ؤ.

اوس چې د پاکستان دولت په هغه هېواد کې د ترهګرۍ له ګڼو پېښو وروسته چې د دغه هېواد د خلکو د ګوند مشره بې نظیر بوټو یې هم قرباني شوه، او پارلماني ټاکنو د پای ته د رسیدو وروسته چې لاملـه یې جرګې له یوه کال څخه زیاته موده ځنډ وکړ، د دغې جرګې دوهم پړاؤ ته آمادګي ښودلې، دا بیا هم په خپل ځای یو ښه قدم دی څو د تېرې امن ګډې جرګې پریکړو ته د عمل د جامې اغوستلو تابیا ونیول شي او د سیمې دواړه هېوادونه (افغانستان او پاکستان) د ترهګرۍ د اور له هغو لمبو څخه وژغورل شي چې د دواړو هېوادونو بقاء او ځمکنۍ بشپړتیا یې له ګواښ سره مخ کړې ده، او دا مهال اوس د امن ګډو جرګو او په دې هکله لازمو تصمیمونوته له افغانستان څخه هم پاکستان ډېره اړتیا لري: څکه په دې وروستیو کې نږدې له یوه کال راهیسې د دغه هېواد امنیتي وضع هم له یوې ورځې څخه بلې ته لاپسې خرابیږي. چې د دغه هېواد اقتصادي حالت یې هم له ډېر بد حالت سره مخ کړی دی. خو تر کومه چې د امن د ګډې جرګې له لومړۍ غونډې څخه را پدېخوا تر دا مهاله د جرګې د

پریکړو په لوري د تګ خبره ده نو له هماغه اولې ورځې څخه دغه جرګه بې آغېزه وه چې اوس هم ورڅخه ډېره طمع نشي کېدای، که څه هم د افغانستان په پرتله اوس پاکستان ډېر د امن په لوري هر قدم ته د قدر په سترګو د کتلو اړتیا ویني او په دغه هېواد کې له قبایلي سیمو سربېره

> **د امن جرګه چې کله د دوؤ اسلامي هېوادونو ترمینځه مطرح او داېریږي نو باید د لویدیځوالو د حضور په پرتله په کې د اسلامي کنفرانس او اسلامي امت د مشرانو حضور پیاوړی وي؛**
>
> ****
>
> **باید د امن د داسې جرګو د انعقاد پرمهال له یوې خوا په جرګو کې له دواړو لوریو څخه د داسې خلکو ګډون باوري کړای شي چې د امن پرخلاف حرکتونو او لوریو باندې اغیز ولري او یا هم په یوه سیمه کې د جګړې د لوریو لخوا د باور ځای اوسي**

اوس ښاري سیمي او ان تر دې چې پلازمینه اسلام آباد او نور مرکزي ښارونه هم د پرله پسې ترهګریو له ګواښونو سره مخ دي خو له دې سره سره بیا هم د امن د جرګو په نوم بې ځایه او بې کچه لګښتونه زموږ د هېواد امنیتي ستونزه تر هغه مهال نشي حل کولای ترڅو چې د سیمې واکمنان په پردیو باندې د باور پرځای په خپلو ولسونو او د ولسونو په مختلفو پرګنو باور ونکړي او دواک په ویش کې زمینی حقایق درک نکړي او د 'میم زرما تولـه زما' پر ځای د 'لږ وخوره تل وخوره' فارمول خپل نکړي او د خپلو هېوادونو د اسلامي ارزښتونو د پایمالولو په بیه د سرابي پرمختګ پروژې او د هر اړخیزې آبادۍ تش په نامه شعارونه په ټولنیز عدالت او متوازن پرمختګ بدل نکړي او هم د کارونو او مسئولیتونو د هېواد اهل او وړو خلکوته په سپارلو سره د اداري فساد مخه ونه نیسي او د نشه یي

توکو او منظمو جرایمو مخه په قاطعیت او جدي تصمیم سره ونه نیسي. او ورسره د نمایش او فرمایش پروژې د هېواد د خلکو د بنیادي اړتیاؤ په پوره کولو بدلې نکړي

د امن په لور د هرې هڅې څخه ملاتړ د هر با ضمیره افغان اسلامي او ملي دنده ده خو د هرې هڅې مثبت او منفي اړخونه

او هم ګټې او آغیزې یې باید له لګښتونو سره پرتله کړای شي او بیایې په هکله تصمیم ونیولای شي، همدارنګه د دوو هېوادونو ترمینځه د ډیالوګ پروسه هغه وخت د هېوادونو په ګټه تمامیږي چې پیاوړي حکومتونه او ملي قیدتونه یې پرمخ وړي، په داسې حال کې چې زمونږ اوسنی حکومت په دې تله پوره نه دی.

له بلې خوا باید د امن د داسې جرګو د انعقاد پرمهال له یوې خوا په جرګو کې له دواړو لوریو څخه د داسې خلکو ګډون باوري کړای شي چې د امن پرخلاف حرکتونو او لوریو باندې آغیز ولري او یا هم په یوه سیمه کې د جګړې د لوریو لخوا د باور ځای اوسي.

همدارنګه د امن جرګه چې کله د دوؤ اسلامي هېوادونو ترمینځه مطرح او داېریږي نو باید د لویدیځوالو د حضور په پرتله په کې د اسلامي کنفرانس او اسلامي امت د مشرانو حضور پیاوړی وي: په داسې حال کې چې د امن دغه ګډه جرګه له دغو ټولو غوښتنو څخه لیرې ده، او نه په کې داسې یو لوری شتون لري چې په پریکړو باندې یې د عمل لپاره دواړه لوري مجبورولای شي. نو څکه له داسې فرمایش او نا مفهومو جرګو پرځای .چې لګښتونه یې د افغانستان په څېر د وروسته پاتي او غریب هېواد ملاماتوي . له هغې ډیوال کنفرانس له لیارې د هېواد روان کړکیچ حل کول په کار دي چې اسلامي کنفرانس او د اسلامي امت مخور مشران په کې حضور ولري او هم په سیمه او هېواد کې د کړکیچ مطرح لوري.

قاضی نذیر احمد وکیل منتخب...

مجاهد: درپشت این گونه اختلاف افگنی ها شما چه دست های رامی بینید؟

حکومت باتمام قوت می کوشد تا هرات را متشنج نگاه کند و از این وضعیت به نفع خود بهره برداری نماید، ما این سیاست را در عمل دیدیم. حاکمیت نه تنها در هرات بلکه در سایر ولایات از این سیاست استفاده می کند، طرح اربکی سازی به چه مفهومی انجام می شود، درحالی که در دیگر جاها مردم را خلع سلاح می کنند.

مجاهد: روشن است که درهرات مجاهدین از محبوبیت میان مردم برخوردارند، چرا دولت در برگرداندن نظام و امنیت از آنها استفاده نمی کند؟

سر موضوع مدیرت در هرات با آقای کرزی زیاد صحبت کردیم رئیس جمهور نمی تواند تصمیم بگیرد، یا اینکه او استبداد را ترجیح می دهد.

مجاهد: چگونه می توان آرامی را به هرات بازگرداند؟

ازچند طریق می توانیم وضعیت را در هرات بهترسازیم. یک مجاهد دارای نفوذ و نفوس بر سر کار بیاید و دوم سیاست های قوم پرستانه و روند کنونی کنار گذاشته شود.

مجاهد: والی فعلی هرات آقای انوری هم مجاهد است چرا شما فکر می کنید او نمی تواند موفق باشد؟

به آقای انوری صلاحیت چندانی نمی دهند، در عین حال دوران حاکمیت او را طولانی می سازند، می خواهند دوام داربمانند تاضعف های مدیریتی اش گسترده ترشود، تا با این کار مجاهدین را منحیث مجموع ناکام جلوه دهند، از جانب دیگر وی از قاطعیت لازم برخوردارنیست.

مجاهد: چرا شما فکر می کنید حکومت با هرات حسن نیت ندارد؟

حکومت کنونی باهرات کینه دارد، درجنوب بودجه هرولایت پانزده تابیست ملیون دالر است، درحالی که برای هرات پنج ملیون دالر تخصیص می دهد، کرزی می گوید ما می خواهیم تمام ولایات افغانستان مثل هرات رشد اقتصادی داشته باشد، در نیمروز بندر ایجاد می کند تا بندر اسلام قلعه تضعیف شود.

مجاهد: برای برون رفت ازوضعیت فعلی چه باید کرد؟

به هرات توجهی جدی صورت گیرد، نهاد های دولتی و مدنی تقویت شود، مدیریت کارا به کار گماشته شود و دولت از عصبیت و قوم پرستی دست بکشد.

مجاهد: شما روابط غیر دوستانه امریکا و ایران را تا چه حد در نا امنی های هرات دخیل می دانید؟

هیچ دلیلی وجود ندارد که ایران درنا امنیی های هرات دست داشته باشد.

اگرتغییرا ت درسطح رهبری هرات به میان نیاید، شمابه عنوان نمایندهٔ مردم چه اقداماتی می کنید؟

نمایندگان تا به امروز به اعتصاب ادامه دادند، فریاد مان را به گوش نهادهای ملی و بین المللی رساندیم، اگرنتیجه نداد، بازهم جمعاً تصمیم می گیریم، ما که می توانیم جلوی تظاهرات و عصیان مردم را بگیریم، می توانیم کارهای دیگری درمشوره با مردم انجام بدهیم.



به مناسبت صد و پنجاهمین سالگرد آغاز مبارزات سیدجمال الدین افغانی

بیدارگر بزرگ شرق

بخش دوم

پوهنمل سید عنایت الله شاداب استاد دانشگاه کابل

اندیشهٔ سیاسی سید جمال الدین بر دو محور آزادی کشورهای شرقی از چنگال استعمار و رهایی ملت های مسلمان از استبداد حکام داخلی، استوار بوده و سیاحت های وی در کشور های شرقی و غربی از هند و مکه و بلاد عربی و مصر گرفته تا تهران و استانبول و پترزبورگ و ویانا و مونیخ و لندن، پاریس، همین هدف را دنبال می کرد

مصر از آن مصریان و سودان جزء متمم آن است

مورخ بزرگ امریکائی "لوثروپ ستوارد" وقتی که ازحرکت ملی مصر در دوران اسماعیل خدیو پاشا سخن می زند می گوید : "اولین کلمه ای که از زبان سید جمال الدین درمذاکراتش با انگلیس گفته شد، این جمله بود که:

"مصر ازآن مصریان است "

"لوثروپ" بعداز این که از تاثیرروحانی سید جمال الدین در مصر سخن به میان می آورد، می گوید: "حقا که سید جمال الدین پدر همهٔ نهضت ها و جنبش ها در مصر بوده و اولین کسی است که این شعار"مصر از آن مصریان است" را سر داده است "(۹).

سید جمال الدین در استدلالی که با توفیق پاشا در مورد اعطای حق شوری به مردم مصر داشت، گفت : "دادن حق شوری به مردم مصر به خیر شما و حکومت شما است". (۱۰) هنگامی که انقلاب مهدی در سودان، شعله ور گردیده بود مستر بلنت دوست صمیمی سید جمال الدین از وی خواست که نشستی را بین اوو "لاردسالیسبوری" و چرچل"نخست وزیر انگلیس، ترتیب دهد. در این نشست "لارد سا لیسبوری" هنگام سخن زدن به سید، گفت: برتانیه از جایگاه شما تقدیر می کند، ما می خواهیم شما را به حیث سلطان سودان به آن جا بفرستیم، تاریشه های فتنه و شورش در آنجا قطع گردد.

سید جمال الدین در پاسخ به این پیشنهاد گفت: تکلیف عجیبی است!! این کار در سیا ست نوعی حماقت و کودنی خواهد بود، اجازه دهید بپرسم که: مالک سودان شما هستید که به آنجا شاه روان می کنید؟ مصر از آن مصریان است و سودان جز متمم آن است" (۱۱).

چرا حق بازی، با تسبیح خود را نداشته باشم؟

آنگاه که سید جمال الدین در اثر اصرار سلطان عبدالحمید که در حقیقت، برخاسته از پیا م "ناصر الدین شاه قاجار" شاه ایران بود، از لندن وارد استانبول گردید، سلطان از وی خواست، تا مقام مفتی اعظم را در خلافت عثمانی بپذیرد، سید از قبول این پیشنهاد سر باز زده و برای سلطان گفت: "برای وی کاری تدارک شود که بتواند از طریق آن، یک نظا م قانونی را در مرکز امپرا طوری عثمانی حاکم سازد" سلطان از این کار معذرت خواست و همین پیشنهاد بود که فضای را بطه بین او و سلطان را تیره کرده و منشأ تو طئه ها و دسایس علیه او گردید.

سید همواره در موضعگیری هایش خطوط اساسی مبارزاتی خویش را مد نظر داشته و هر گز جاه و مقام مخاطبش، در موقف دعوتگرانهٔ او، تأثیر نمی گذاشت.

روزی، رئیس دربار سلطان عبدالحمید، بعد از ختم ملاقات سید با سلطان که سخنان او، به تعبیر آن روز خلاف آداب ملاقات با سلاطین و ملوک بود، سید را خواست و به گونهٔ مؤدبانه برایش گفت: "جناب سید! مقام خلافت خواهان بزرگی و اجلال است، اما تو آن را نادیده گرفتی و با سلطان در عین این که با تسبیح خود بازی می کردی، سخن می گفتی" سید در پا سخ رئیس دربار سلطان گفت: "سبحان الله" در صورتی که جلالتمآب سلطان سرنوشت میلیون ها افراد ملت را طوری که می خواهد به بازی می گیرد و هیچکس هم حق ندارد که در برابر آن سر اعتراض بلند کند، جمال الدین اجازه نخواهد داشت که با تسبیح خود بازی کند؟" (۱۲)

اثر بارز بیدارگرانهٔ سید در ترکیه

اثر ملموسی را که افکار وتعلیمات سید جمال الدین در زندگی سیاسی ترکیهٔ عثمانی ایجاد کرد، همانا رهایی عثمانیان از یوغ استبداد و به دست آوردن شوری در در زندگی سیاسی آنان بود.

چارلزادمز نویسندهٔ بزرگ آن دوران در کتابی که به نام "اسلام و تجدد" نوشته کرده، می نویسد: "... سید آنگاه که در استانبول اقامت داشت با نوشتارها و گفتارهای هیجان آور خویش زمینه را برای جنبش مؤفقانهٔ ۱۹۰۸م آماده ساخت". (۱۳)

بروکلمان خاورشناس بزرگ آلمانی در کتاب تاریخ ملت های اسلامی گفته است: "آن گا ه که سید قصد رفتن به استانبول را کرد، قبل از ورودش به آن جا شهرت او به حیث یک عا لم بزرگ در میان مردم با آن که کتابی هم از وی نشر نشده بود، پخش گردیده و از طرف حکومت و طبقهٔ علماء مورد پذیرای گرم قرار گرفته و توانست با درس ها و محاضرات خویش در دانشگاه نو بنیاد آن جا، تأثیر ریشه داری را بیافریند، و این اثر گذاری سید، زمینهٔ آن را فراهم کرد که شیخ الاسلام، او را از پایتخت دور سازد."(۱۴)

به باور مستر پلنت، خاورشناس دیگر، آن گاه که در مورد وضع سیاسی ترکیهٔ عثمانی حرف می زند، انقلاب مدحت پاشا در سال ۱۸۷۸ م را زادهٔ خطابه ها و مناقشات سید جمال الدین دانسته و این عمل را به حیث بخش دینی جنبش سیاسی آن وقت به خوانش می گیرد و این کار باعث می شود که مدحت پاشا، به حیث پدر آزادگان ترکیه، توسط سلطان عبدالحمید تبعید شود و حکومت استبدادی، واپس بر قرار گردد. (۱۵)

طرح شعار نابودی استبداد قیصری در روسیهٔ تزاری

سید بعد از این که در میان او و "ناصر الدین شاه قاجار" اختلاف نظر پیدا می شود ایران را ترک گفته و روانهٔ روسیهٔ قیصری می گردد و در آن جا مورد استقبال گرم مجامع علمی و نهادهای سیاسی قرار گرفته و مقالات زیادی توسط نویسندهٔ بزرگ روسی " کاتکوف" در تقدیر و تمجید از سید، در جراید روسی نوشته می شود.

البته سید در این سفر خویش به روسیه به دنبال اهدافی بود که بتواند کمک روسیه به ملت های درگیر با استعمار انگلیس را جلب کند، رسیدگی به حال سی میلیون مسلمان روسیه در عرصه های دینی و رفع ظلم از آنان از برنامه های دیگر سفر سید به آنجا بود.

سید هنگام دیدار با قیصر، از اختلاف او با شاه ایران مورد پرسش قرار گرفت، سید گفت:

"من به شاه پیشنهاد کردم، یک حکومت شورایی را برگزار نمایدو شاه به آن موافقت نکرد".

قیصر در این زمینه از موقف شاه ایران حمایت کرده و گفت: "من طرفدار نظریهٔ شاه می باشم." سید در برابر این نظر قیصر گفت: "جناب قیصر باور من بر این است که اگر میلیون ها افراد رعیت، دوست شاه باشند، بهتر است از این که دشمن او با شند."

سید بعد از این گفت و شنود با قیصر، پیروزی آزادی بر استبداد و حق بر باطل را عنوان کرده و در ضمن سخنی که برای شیخ عبدالرشید تاتاری این سیاح و جهان گرد روسی، گفت:

"زود است که جنازهٔ قیصر روس را بخوانی و در تشییع جنازهٔ امپراطوری انگلیس اشتراک ورزی" (۱۶)

تاج شاهی به زمین زمزمهٔ تودهٔ بلند
این چنین توصیه از پتربه لینین باقیست
"سامی"

نقش عروت الوثقی در بیداری خاور زمین

اندیشهٔ سیاسی سید جمال الدین بر دو محور آزادی کشورهای شرقی از چنگال استعمار و رهایی ملت های مسلمان از استبداد حکام داخلی، استوار بوده و سیاحت های وی در کشور های شرقی و غربی از هند و مکه و بلاد عربی و مصر گرفته تا تهران و استانبول و پترزبورگ و ویانا و مونیخ و لندن، پاریس، همین هدف را دنبال می کرد(۱۷) و زمزمهٔ دلنواز او در شاخساران زندگی ملت های مشرق زمین با همین سرود برخواسته از ارادهٔ ملت ها طنین انداز بود که این بیت "عرفی" هدف او را در این گردش جهادی و مبارزاتی وی بازگو می کند که گفته است:

نوا را تلخ تر میزن چو ذوق نغمه کم بینی
حدی را تیز تر میران چو محمل را گران بینی

در تأیید این مطلب بی جا نخواهد بود، فرازهایی از پیام ها و فریادهای بیدارگرانهٔ سید را که برای شرقیان و هند و مصر ایراد نموده یاد آوری نماییم:

"های شرقیان با ناموس و غیور! های صاحبان مروت و گردن فراز! های صاحبان عزت دینی و حمیت اسلامی! های به خواب رفته گان و غفلت زده گان!

بیدار شوید و هوشیار باشید و سرهای خود را بلند کنید، امروز مصیبتی را که بر فراز کشورهای مسلمان سایه افگنده است بنگرید که شما از آن به دور نبوده و اگر امروز شما آماج حملهٔ آن قرار ندارید، فردا آماج آن خواهید بود.

شما در دفا ع از حقوق مقدس خویش سهل انگاری کردید و اهانت و ذلتی را که این حکومت (انگلیس) نسبت به شما روا داشته جدی نگرفتید.

اکنون در پرتگا ه ذلت قرار دارید و بیم آن می رود که اندکی بعد در دوزخ بندگی و بردگی فرو افتید...

هنوز وقت است کالبدها نفس می زند، و در سرها خرد و در دل های شما همت است ، گام های دشمن در لرزه است و اوضاع آن دچار خلل، گام های خود را استوار نگهدارید، سستی و اندوه را به خود راه ندهید، شما از د ست بالا، برخوردارید اگر به خودی خود ایمان و باور داشته باشید...

ثبات و استواری خود را نگهدارید... هشدار از سستی و به زانو نشستن... در وعدهٔ خدای خویش دچار شک مشوید، راحت در قبول مشقت است... آیا می پسندید که بندهٔ اجانب باشید؟ کامیابی قرین شکیبایی است. سنت خدا بر این رفته است که انسان بدون مشقت به هدف خود نمی رسد... دانسته باشید که گریه کار زنان است دست خدای بالای همه دست هاست." (۱۸)

سید در تحقق و تأمین اهداف بیدارگرانهٔ خویش، از ابزارهای گفتاری رستاخیز آفرین سحبان گونهٔ خود که به تعبیر اقبال سنگ و وسفال را زنده می سازد و نوشتارهای شور آفرینش، از طریق جرایدی چون "ضیاء الخافقین" در لندن و جریده هایی چون جریدهٔ "مصر" و "تجارت" در مصر و جریدهٔ عروهٔ الوثقی در پاریس در حد بالایی بهره برده و عروهٔ الوثقی به حیث یک جریده پر ارج در راستای تبلیغ این اهداف بیدارگرانه سهم ارزنده یی را بازی نموده است.

سید السادات مولانا جمال
زنده از گفتار او سنگ و سفال

عروه الوثقی اهداف نشراتی وآرمان های خود را در خطوط ذیل خلاصه نموده است:

۱- خدمت برای شرقیان به صورت عام و تبیین وجایب و بایسته های آنها

۲- توضیح اسباب و علل ضعف شرقیان

۳-احیای آرمان و آرزو و امید در دل های آنان

۴- رد تهمت هایی که متوجه شرقیان به صورت عام و به مسلمانان به صورت خاص می گردد.

۵- آگاه نمودن شرقیان از وقایع جهان و اهداف سیاست مداران اروپایی.

۶- تقویهٔ روابط در میان ملت های مسلمان و خاور زمین و تأیید از سیاست هایی که مانع تجاوز و ظلم بر مسلمانان می شود(۱۹)

۷- پرده برداری از شبه هایی که منجر به نومیدی برخی از مسلمانان از اصلاح آوری گردیده است.

آری! عروهٔ الوثقی مشعلی شد برای همه شرقیان و چراغی گشت فرا راهی هر مجاهد آزاده یی که در راه آزادی به زندگی مبارزه می کرد.

جریده عروه الوثقی نقش صور اسرافیل را درمیان ملت های مسلمان و شرقیان بازی نموده است. (۲۰)

سید از طریق همین جریده به بیداری شرقیان و مسلمانان پرداخته و بی جا نخواهد بود که هدف سید را از زبان علامه اقبال شاگرد مکتب احیاگرانهٔ او، به خوانش بگیریم که ضمن این چهار بیتی در پیام مشرق خود گفته است:

زجان بیقرار آتش گشادم
دلی در سینهٔ مشرق نهادم
گل او شعله زار از ناله ای من
چو برق اندر نهاد او فتادم

اقبال

پی نوشت ها

۱- اشاره به ابو علی سینا است که با ابداعات خود در فلسفه یونان عنوان شیخ الرئیس را کسب کردو گفته است:

کردم همه مشکلات گیتی را حل
هر بند گسسته شد مگر بند اجل

۲- اشاره به مولانا حلال الدین بلخی است که عشق را در زندگی نسبت به عقل هنگامه ساز میداند.

۳- اشاره به نعمان بن ثابت ابو حینفه امام اعظم است.

٤- قدری قلعه چی / ثلاثه من اعلام الحریه / ترجمه نهضت فراهی ص٦

٥- محمود ابو ریه / صیحه جمال الدین الافغانی / ص٥٣

٦- لوثروپ استوارد/ حاضر العالم الاسلام / ترجمه عربی عجاج نویهض با تعلیق شکیب ارسلان / جلد ۱ /ص ۳۱۱

۷- د. محمد البهی / الفکر الاسلامی و صلته بالاستعمار الغربی ص۲۹-۳۰

۸- افغانی / محمد سعید عبدالمجید / نابغه الشرق ص۲۲-۲۳ و داکتر شاه عبدالقیوم /سید جمال الدین افغانی /شخصیت و افکار ص۳۸

۹- محمود ابو ریه / صیحه جمال الدین افغانی ص ۱۱٦-۱۲٥

۱۰- محمد مخزومی پاشا/ خاطرات جمال الدین الافغانی صـ ٦ به نقل از صحیه جمال الدین الافغانی.

۱۱- العروه الوثقی والثوره التحریریه الناشر دارالعرب به نقل از نابغه الشرق

۱۲- قدری قلعه چی / ثلاث من اعلام الحریه ص۱۱۷-۱۱۸

۱۳- چارلس ادمز/ الاسلام و تجدد فی مصر / به نقل از کتاب صیحه جمال الدین الافغانی ص۱۷٤

١٤- محمد مخزومی پاچا/ خاطرات جمال الدین الافغانی به نقل از صیحه جمال ص۲۱

۱٥- همن مرجع ص۸۲

۱٦- افغانی محمد سعید عبدالمجید /نابغه ا لشرق ص٧٤-۷٥

۱۷-د. محمد البهی/ الفکرالاسلامی و صلته بالاستعمار الغربی صـ ۷٥ و محمود ابوریه/ صیحه جمال الدین الافغانی ص٥٤-٥٥ و داکتر شاه عبدالقیوم ص۱۹-۲۰

۱۸- همان مرجع ص۲٥٦-۲٥۷

۱۹- شماره اول العروه الوثقی به نقل از نابغه الشرق ص ٥٨-٥٩ و ثلاث من اعلام الحریه ترجمه نهضت فراهی ص ۸٥

۲۰- ابراهیم العدوی / اعلام الحریه/ رشید رضا ص ٦٩-۷۰ به نقل از کتاب نابغه الشرق ص ۷۱

در کشور کی بیشتر تسلط دارد
حکومت یا طالبان؟





بقیه از صفحهٔ اول

حکومت ادعا دارد که بر شاهراه ها کنترل دارد و طالبان گاهی امنیت را مختل می کنند؛ طالبان ادعا دارند کنترل این راه ها به دست آن هاست، اما عملاً افراد دولتی به صورت عادی در این راه ها رفت وآ مد ندارند. چنانچه طالبان نیز با فاصله های طولانی رفت و آمد نمی کنند.

به تاریخ ۲۵ میزان، طالبان در شاهراه کابل- هرات و در ولایت هلمند، در روز روشن پاسگاه بازرسی بر پاکردند و موترهای مسافرین را بازجویی نموده ده ها تن را بازداشت کردند، آن ها حدود ۳۰ نفر از این مسافران را به قتل رساندند و گفتند این عده مامورین دولت بودند.

در چهارراهی های شهر های بزرگ ظاهرا سرو کله طالبان دیده نمی شود، این نیروهای دولتی مخصوصا پولیس است که این جا و آنجا دیده می شوند، اما حوادثی اتفاق می افتدکه سؤال برانگیز و نگران کننده است. حتا در پایتخت، همین شهر کابل، چنین حوادثی رخ می دهد.

چندروز قبل در چهارراهی قمبر و در روز روشن، یک خانم جوان خبرنگار تبعهٔ کشور کانادا ربوده شد، پولیس پس از چند روز اعلام کرد هیچ اطلاعی از ربایندگان و محل نگهداری آن خانم ندارد، از آن سو، سخنگوی طالبان به رسانه ها گفت، افراد آن گروه آن خانم را اختطاف نکرده اند، اما برخلاف ادعای دولت، مدعی شد که آن ها اطلاع دارند که خانم کانادایی را کی ربوده و در کجا نگهداری می شود.

> **سؤال در ذهن شهروندان خلق می شود که کدام گروه تسلط بیشتر دارد. دولتی که از حمایت جامعهٔ جهانی بر خوردار است و حدود ۷۰ هزار عسکر خارجی در پهلوی ۱۳۰ هزار نیروی داخلی در کشور حضور دارند و یا گروه شورشی مخالف دولت که جامعهٔ جهانی نیز نیروهای خویش را برای سرکوب آن ها در افغانستان مستقر نموده است؟**

چند روز بعد یک خانم تبعهٔ افریقای جنوبی، که در یک سازمان امداد رسانی کار می کرد، در کارتهٔ چهار کابل به قتل رسید. طالبان ادعا کردند، آن خانم را آن ها کشتند و گفتند وی در رأس یک سازمان مسیحی قرار داشته و به تبلیغ مسیحیت می پرداخته است، سخنگوی طالبان افزود افراد آنها در مورد این مؤسسه و آن خانم تحقیقات انجام دادند و پس از آن او را به قتل رساندند. برخی رسانه های خارجی ادعای مسیحی بودن آن سازمان را تایید کردند.

البته دست زدن به چنین اقدام تروریستی در افغانستان کاری عادی است، اما این که طالبان تحقیقات انجام می دهند و اطلاع به دست می آورند، که فلان نهاد برای مسیحیت تبلیغ می کند و رئیس آن کیست و بعداً او را به قتل می رسانند، واقعاً جای سوال و نگرانی است. چون طالبان بدون آن که نیروهای دولتی مزاحم آن ها شوند و یا عاملان آن گروه را شناسایی و یا دستگیر کنند، با خیال راحت اطلاعات به دست می آورند و کسانی را به قتل می رسانند.

در اوایل امسال طالبان اعلان نموده بودند که شرکت های تلفون همراه باید فعالیت های خویش را در ولایات جنوبی هنگام شب متوقف سازند، می گویند این حکم طالبان در اکثر مناطق آن ولایات فورا عملی گردید

اکنون طالبان گفته اند که این شرکت ها در ولایت غزنی فعالیت های خویش را به صورت کامل متوقف سازند. این حکم طالبان نیز بدون تأخیر به مرحله اجرا قرار گرفت.

اما در خارج از پایتخت و شهرهای بزرگ مخصوصاً در جنوب، جنوب غرب و جنوب شرق کشور، بنا بر گزارش های بین المللی اکثر مناطق خارج شهرها تحت تصرف طالبان قرار دارد. به عنوان مثال روزنامهٔ امریکایی کریستن ساینس مانیتور در شمارهٔ ۲۸ میزان خویش نوشته است که از ۱۸ ولسوالی ولایت غزنی ۱۳ ولسوالی در تصرف طالبان قرار دارد و در ولایت وردک در همسایگی پایتخت، طالبان ۶ ولسوالی از ۸ ولسوالی را تصرف نموده اند.

بنا بر این این سؤال در ذهن شهروندان خلق می شود که کدام گروه تسلط بیشتر دارد. دولتی که از حمایت جامعهٔ جهانی بر خوردار است و حدود ۷۰ هزار عسکر خارجی در پهلوی ۱۳۰ هزار نیروی داخلی در کشور حضور دارند و یا گروه شورشی مخالف دولت که جامعهٔ جهانی نیز نیروهای خویش را برای سرکوب آن ها در افغانستان مستقر نموده است؟

این سؤال واقعاً موجب سرافگندگی جامعهٔ جهانی و دولت افغانستان می باشد.

رأی اعتماد و سلب اعتماد

همنوا

روز دوشنبه ۲۹ میزان ولسی جرگه به سه وزیر پیشنهادی رئیس جمهور رأی اعتماد داد. این وزرای پیشنهادی عبارت بودند از آقای فاروق وردگ برای وزارت معارف، آقای آصف رحیمی برای وزارت زراعت، آبیاری و مالداری و آقای حنیف اتمر برای وزارت داخله.

گرچه نامزدی وزرا برای احراز پست از سوی رئیس جمهور و بعد اخذ رای اعتماد برای آنان طبق قانون اساسی از صلاحیت های رئیس جمهور و ولسی جرگه است، و این که جریان رأی اعتماد بخوبی و آرامی صورت گرفت، کار خوب و پسندیده است و لازم است تا به وزرا و همچنان وکلا شاد باش گفت، ولی دیده شده و شنیده شده است که قبل از دایر شدن جلسه رای اعتماد کارهای زیادی صورت می گیرد و از سوی ادارهٔ ریاست جمهوری فعالیت های سیاسی و پولی نیز به راه می افتد. در این مورد باید گفت که کار سیاسی به معنای اقناع وکلا و دادن معلومات کامل در مورد اهلیت و شایستگی وزرا، کار خوب اصولی و قانونی است و لی کار سیاسی و پولی به معنای تطمیع و تحمیل و خریداری رای یک امر زشت، ناپسند، غیرقانونی و توهین آمیز است. شنیده شد که در قبل از دایر شدن جلسهٔ سلب اعتماد از وزیر خارجه در ثور سال گذشته کارهای صورت گرفت ولی نتیجه نداد، یعنی نه وکلا زیر بار رفتند و نه سلب اعتماد به رای اعتماد تبدیل شد و نه رئیس جمهور فیصله شورا را پذیرفت ونه کسی دیگر را معرفی کرد.

گرچه ضد رئیس جمهور با ولسی جرگه و عقب نشینی عملی ولسی جرگه در برابر رئیس جمهور به حیث نظام بیشتر از پیش صدمه زد ولی فیصلهٔ سلب اعتماد ولسی جرگه نتایج عملی به بار نخواهد [illegible]

غیر قانونی اعلام نمودن اجـ[illegible] وزیر خارجه چه پی آیدهای اجرایی دارد؟

ده ها نفر پس از سلب اعتماد از وزیر، در خارج و داخل به امضای او مقرر شده اند و ده ها سند و موافقت نامه به امضای او رسیده است، هرگاه بالاخره یک روزی فیصلهٔ شورا عملی شود و یا وزیر خارجه عزل و مستعفی گردد، چه کسی و کدام اداره یی توان فسخ و بطلان اجراآت و اقدامات گذشته او را خواهد داشت و این کار تا چه حدودی عملی خواهد بود؟

همچنان دیده شد که یک یا چند وزیر پس از تشکیل پارلمان جهت اخذ رای اعتماد به ولسی جرگه معرفی شدند، نتوانستند که رای بیاورند.

ولی همچنان ماه ها به وظایف شان ادامه دادند که همهٔ اجراآت شان غیرقانونی بود و لازم می نمود که بلافاصله کنار بروند و تا تعیین وزرای جدید، معینان شان امور وزارت را سرپرستی نمایند.

چنین پیداست که رئیس جمهور از رای اعتماد ولسی جرگه به وزرای پیشنهادی خویش بسیارخورسند و راضی به نظر می رسد ولی از سلب اعتماد آنان ناراض و شاکی!

بهتراست تا به همه فیصله ها و آرای اکثر نمایندگان ملت احترام گذاشته شود، خواه رای اعتماد باشد یا سلب اعتماد!

امریکا، بحران اقتصادی ...

اما این شیوه از تبلیغات از جانب بسیاری از ناظران بعنوان سخنان کسانی که شانس برنده شدن از راههای پذیرفته شده را ندارند مورد انتقاد قرار گرفت. در مورد تبلیغات جمهوریخواهان گفته شد که آنها بخاطر انحراف اذهان مردم امریکا از بحران اقتصادی این شیوه از تبلیغات را برگزیده اند.

مردم امریکا در دور دوم بخاطری به بوش رای دادند که خطر تروریسم را بسیار جدی و مرگ آور احساس می کردند، اما بحران اقتصادی فعلی مصایبی به اندازهء مشکل تروریسم به مردم امریکا به ارمغان آورده است. این بحران اقتصادی ناشی از جنگی است بی برنامه، علیه چیزی که تروریسم خوانده می شود.

اما آیا به قدرت رسیدن اوباما می تواند برای کشور های فقیر جهان روزنهء امید باشد؟ آیا می توان امیدوار بود که امریکا از تلاش برای سلطه از راه زور بر جهان دست بردارد و روابط خود با دیگران را بر روابط انسانی استوار سازد؟

یکی از برنامه هائی که در بخش اقتصادی اوباما وعدهء عملی نمودن آنرا داده است اینست که اتکای این کشور به نفت شرق میانه را کاهش خواهد داد. برای این کار وی تصمیم دارد تا به جستجوی ذخایر عظیم نفت و گاز در زیر یخ های الاسکا بپردازد. این کار نیازمند هزینهء بسیار فراوان خواهد بود. تاکنون به این دلیل از این ذخایر استفاده نمی شد که یک بشکه نفت از شرق میانه ارزان تر از هزینهء استخراج آن از زیر کوه های یخ الاسکا بود. اکنون با بلند رفتن قیمت نفت، این جستجو مقرون به صرفه به نظر می رسد. این گونه برنامه ها که برای کشوری چون امریکا زیاد بلندپروازانه هم نیست می تواند تعریف جدیدی از رابطهء امریکا با کشور های نفت خیز عرب را در قبال داشته باشد.

در کشور های اسلامی خیلی ها به این باور اند که به قدرت رسیدن اوباما می تواند موجب یک تغییر عمده در سیاست های ایالات متحده در قبال کشور های اسلامی باشد اما نباید این نکتهء مهم را از نظر دور داشت که اوباما هرگز نمی توانست بدون حمایت لابی قدرتمند صهیونیست ها در ایالات متحده به این دور از رقابت راه یابد.

صهیونیست ها بیشتر از انتخابات در اسرائیل در مورد انتخابات ایالات متحدهء امریکا حساس اند زیرا این انتخابات را بر سرنوشت اسرائیل بسیار مهم می پندارند. آنها بدون شناخت دقیق از کسی هرگز از وی در چنین انتخابات مهمی حمایت نمی کنند.

اینکه اوباما سیاه پوست است هیچ رابطه ای به سیاست های عمومی امریکا در قبال جهان اسلام ندارد. مگر کاندلیزارایس در مقام مشاور امنیت ملی رئیس جمهور و بدنبال آن بعنوان وزیر خارجهء امریکا کاری متفاوت از سفیدپوستان حاکم بر قصر سفید انجام داد؟

اوباما بعنوان نخستین رئیس جمهور سیاه پوست امریکا تلاش خواهد نمود، تا از هرنوع اقدام جسورانه و خلاف سیاست های معمول ایالات متحدهء امریکا دوری جوید. وی شاید تلاش بیشتر خود را به بهبود وضع اقتصادی در داخل امریکا معطوف دارد که این سیاست را در گذشته نیز دیموکرات ها تعقیب نموده اند. توجه بیشتر به داخل شاید موجب کاهش توجه به خارج گردد. اگر امیدی به آیندهء بهتر در روابط امریکا و جهان اسلام باشد فقط از همین ناحیه است که باز هم به مجبوریت های امریکا رابطه می گیرد نه استراتژی این کشور در جهان اسلام. استراتژی ای که نه به رئیس جمهور امریکا بلکه به کسانی که برنامهء انتخاباتی وی را تمویل می کنند و او را به قدرت می رسانند رابطه می گیرد.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد.
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال هفتم – شمارهٔ بیست و یکم شنبه ٤ عقرب ١٣٨٧– ٢٤ شوال المکرم ١٤٢٩ – 25 - October 2008



قاضی نذیر احمد وکیل منتخب ولایت هرات درگفتگو بامجاهد:

نا امنی های ولایت هرات معلول بی توجهی دولت

مصاحبه کننده: عنایت

مجاهد: جناب قاضی صاحب دراین اواخر هرات را بد امنی ها، اختطاف و دزدی ها فراگرفته شما علت را درچه می دانید؟

بنام خدا، با تشکر از شما، خدمت عرض کنم که نامنی ها ی هرات عوامل مختلف دارد، یکی از عوامل این است که نظام حاکم از اختیار وتصمیم گیری برخوردار نیست.عامل دیگر این است که جامعهٔ جهانی و دولت افغانستان اتحاد عمل لازم را ندارند، در هرات از مجرمین دزد و قاچاقبر حمایت می شود، اما کسی که خانه اش دزدی می شود حق ندارد ازخود دفاع کند.

عامل دیگر بحران امنیتی در هرات این است که، حکومت فعلی هرات به عنوان شهر دوم افغانستان از لحاظ اقتصادی و فرهنگی توجهی ندارد، مردم هرات از مدت هاست که فریاد می زنند هرات امنیت نیست، اما کسی صدای آن ها را نمی شنود. پیغمبر صلی الله علیه وسلم دربارهٔ امنیت می فرماید: اگر فاطمه دختر محمد دزدی کند دستش را می برم، اسلام دربارهٔ مجرمین وساطت را نمی پذیرد. اما متأسفانه در هرات هیچ مجرمی مجازات نشده است.

قانون باید دربرابرمجرمین یکسان تطبیق شود که متاسفانه در نظام فعلی درنظرگرفته نمی شود. ارتشاء و فساد بیداد می کند چوکی های دولت به دالر فروخته می شود.

مجاهد: درصورتی که این روند ادامه یابد عواقب آن را چگونه ارزیابی می کنید؟

دوسال پیش یک منازعه میان شیعه وسنی در دههٔ عاشورا صورت گرفت، من ازپارلمان و آقای اسماعیل خان از کابینه، به هرات رفتیم، وقتی رسیدیم والی دریک خانه محصوربود و نزدیک بودکشته شود. ما از مردم خواستیم آرام شوند و ازخشونت دست بکشند، درنتیجه دوباره امنیت به شهر بازگشت. ادامه درص ۵

امریکا بحران اقتصادی و انتخابات



ابوبکر سبزوار

پنجاه وششمین انتخابات ریاست جمهوری در امریکا در آغاز ماه مسیحی آینده و در شرایطی برگزار می گردد که جهان غرب به یکی از خطرناک ترین بحران های اقتصادی خویش در طول هشتاد سال اخیر مواجه است. بحرانی که مسئولیت مستقیم آن بدوش امریکا و سیاست های استیلاگرانهء این کشور در سطح جهانی است.

این انتخابات از بسیاری جهات با پنجاه وپنج انتخابات دیگر ریاست جمهوری در تاریخ امریکا فرق دارد. باراک اوباما سناتور ایالت (ایلینوی) از حزب دیموکرات یک سیاه پوست است و پدرش مردی از اهالی کینیا، مسلمان بوده است. به همین دلیل عده ای تلاش نمودند تا با برجسته کردن این مسئله، تمایل به وی را کاهش دهند. در این رابطه نه تنها رقبایش از حزب جمهوریخواه بلکه خانم هلیری کلنتن که او نیز از حزب دیموکرات اما رقیب وی در انتخابات درون حزبی حزب دموکرات بود نیز تلاش هائی انجام داد.

از آنجائیکه حزب جمهوریخواه در دوران ریاست جمهوری جورج دبلیو بوش امریکا را به مشکلات فراوان مواجه ساخت، به نظر می رسد که دموکرات ها شانس بیشتری برای جلب آرای مردم دارند، اما در تاریخ امریکا برای نخستین بار مردم این کشور در انتخابات درون حزبی بر سر این دوراهی قرار گرفتند که میان یک سیاه پوست و یک زن انتخاب کنند. در گذشته هیچ زنی و هیچ سیاه پوستی به مقام ریاست جمهوری امریکا نرسیده است.

جان مک کین که برخلاف حزب دیموکرات به آسانی از طرف حزب جمهوری خواه بعنوان نامزد این حزب در انتخابات برگزیده شد، هرچند در مواردی به سیاست های بوش حمله کرد و تلاش نمود تا به مردم نشان دهد که وی جورج بوش نیست، اما به نظر نمی رسد که وی زیاد شانس برنده شدن داشته باشد. او تلاش نمود تا با معرفی خانم جوانی بنام سارا پی لین گورنر ایالت الاسکا بعنوان معاون خویش، لااقل از میان هواداران خانم کلنتن برای خود رای دست و پا کند اما خانم پی لین نیز متهم است که در دوران کاری اش از مقام خود سوء استفاده کرده است. جالب است که حتی خبرنگاران نیز با پوشش خبری از سخنرانی های این خانم، مسایل جدیدی را در جامعهء امریکا مطرح کردند. در عکس ها نشان داده می شود که در هنگام سخنرانی خانم پی لین، هوادارانش به ساق های عریان وی خیره شده اند! گفته شد که اگر وی یک زن نمی بود، خبرنگاران تصویری از این زاویه را به نمایش نمی گذاشتند.

خانم پی لین در سخنرانی در ایالت کلورادو به شخصیت اوباما حمله کرد ووی را دوست تروریست ها خواند. این اشاره ای است به رابطه میان اوباما و (بیل ایرز) رهبر یک گروه شبه نظامی در دوران جنگ ویتنام.

خانم کلنتن نیز در جریان کمپاین انتخاباتی خود، به رابطهء اوباما با مسلمانان اشاره داشت وحتی در همان زمان تصویری از اوباما به نشر رسید که وی را باعمامه هنگام سفر به یک کشور افریقائی نشان می داد. ادامه درص ۷

رویداد های مهم هفته

کشته شدن ۲۶ تن در قندهار توسط طالبان

وزارت دفاع ملی روز یکشنبه ۲۸ میزان اعلام کرد که گروه طالبان ۲۶ تن از غیرنظامیان را در ولسوالی میوند ولایت قندهار کشته اند. ژنرال محمدظاهر عظمی نطاق وزارت دفاع ملی به رسانه ها گفته است که طالبان دو موتر بس را متوقف کرده و سرنشینان آن ها کشته اند به گفتهٔ آقای عظمی طالبان شش تن از این افراد در کنارجاده سر بریده و بیست تن دیگر را در منطقه نهرسراج کشته اند.

قاری یوسف احمدی سخنگوی طالبان گفته است که افراد کشته شده همه سربازان ارتش ملی بودند چیزی که مقامات آن را تایید نکرده و گفته اند که تمام کشته گان غیرنظامیان بوده اند.

کشته شدن ۱۷ تن در ولایت بادغیس

مسؤولان دولتی در ولایت بادغیس اعلام کرده اند که حدود ۱۷ تن در اثر بمباران نیروهای خارجی در ولسوالی غورماج ولایت بادغیس شب پنجشنبه ۲ عقرب کشته شدند.

یکی از سخنگویان پلیس در حوزه غرب کشور ضمن تایید این خبر به رسانه ها گفته است که کشته شدگان شامل ۶ تن غیرنظامی و یازده تن شورشی می باشند. گفته شده این بمباردمان زمانی به وقوع پیوست که شورشیان بر مواضع نیروهای دولتی حمله ورشدند.

نیروی ویژه مبارزه با جرایم تشکیل میشود

منیر منگل معاون امنیتی وزارت امورداخله، روز سه شنبه ۳۰ میزان به مجلس نمایندگان فراخوانده شده بود، در پاسخ به نگرانی ها نمایندگان گفت که وزارت داخله در نظر دارد تا برای کاهش موارد آدم ربایی پلیس ویژه یی را در چوکات وزارت امورداخله ایجاد نماید.

فعالیت شرکت های مخابراتی در غزنی ممنوع شد

شورشیان طالب در ولایت غزنی دستور داده تا شرکت های مخابراتی برای مدت ده روز فعالیت های خود را قطع کنند. ذبیح الله مجاهد سخنگوی شورشیان گفته است فعال بودن این شبکه جان جنگجویان ما را تهدید می کند. موصوف گفته است زمان تعیین شده ممکن است تمدید شود.

سقوط یک هواپیمایی امریکایی در بگرام

یک هوا پیمایی نیروهای امریکایی صبح روز سه شنبه ۳۰ عقرب در میدان هوای بگرام سقوط کردنیروهای خارجی مستقر در بگرام در اعلامیه یی گفته اند در این رویداد یکتن از سربازان مجروح شده و دیگران نجات یافته اند در اعلامیه آمده است که نیروهای واکنش سریع میدان هوایی بگرام آتش هوا پیما را خاموش کرده اند.

کامبخش به بیست سال حبس محکوم شد

پرویز کامبخش دانشجوی دانشکدهٔ ژورنالیزم دانشگاه بلخ روز سه شنبه ۲۹ میزان از سوی محکمه استیناف در کابل به بیست سال حبس محکوم شد. پرویزکامبخش به اتهام توهین به اسلام باز داشت شده بود و محکمهٔ ابتدایی او را به مجازات اعدام محکوم نموده بود.

کشته شدن هشت سرباز اردو ملی در خوست

روز چهارشنبه اول عقرب هشت تن از سربازان اردوی ملی درحملهٔ هوایی نیروهای خارجی کشته شدند مقامات وزارت دفاع این خبر را تایید کرده اند و گفته شده است این افراد در یک حمله اشتباهی کشته شده اند در این حادثه چهارتن دیگر از سربازان اردو ملی و یک غیرنظامی مجروح شده اند.

کشته شدن ۴۹ شورشی در ارزگان

۳۵ تن از شورشیان و سه تن از سربازان پلیس در ولسوالی دهراود ولایت ارزگان کشته شدند.

جمعه گل همت فرماندهٔ پلیس ارزگان در گفتگو با روزنامه پیمان ضمن ادعای این خبرگفته است که این افراد زمانی کشته شدند که از ولایت هلمند به ارزگان می آمدند و درمسیر راه مورد حمله قرار گرفته و کشته اند.